میراث

نخستین سکه‌های جهان

نخستین سکه‌های جهان چه شکلی بودند و برای کدام سرزمین؟ برای کدام قوم و چه دوران تاریخی؟ اگر مشتاق رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها هستید، کافی است در اولین فرصت سری به موزه آستان قدس رضوی بزنید. تعدادی از این سکه‌ها با عنوان سکه‌های کروزوس در موزه رضوی وجود دارد و به‌تازگی از آن رونمایی شده‌است.

در سال‌های دور پس از گذشت از مرحله مبادله کالا به کالا، مبادلات از طریق حلقه‌های مبادلاتی صورت می‌گرفت که روشی سخت و گران قیمت بود؛ چراکه نگهداری تعداد زیادی حلقه‌های مبادلاتی برای خرید یک وسیله گرانبها کار آسانی نبود. به دلیل وجود مشکلات این چنینی و از طرفی وجود طلا و نقره، در زمان قدیم از طلا و نقره برای ساخت نخستین سکه و استفاده از آن در مبادلات تجاری، استفاده شد، یعنی همین سکه‌هایی که نمونه‌هایی از آن را اکنون می‌توانید در موزه حرم امام هشتم در مشهد ببینید.

محمدحسین یزدی‌نژاد، مسؤول امور گنجینه تمبر، اسکناس و سکه موزه رضوی آستان قدس رضوی می‌گوید: گنجینه سکه موزه رضوی، سکه‌های بیش از یکصد سلسله از فرمانروایان ایران و جهان را در اختیار دارد و آماده همکاری با دانشجویان، محققان و پژوهشگران تاریخ ایران و دوره اسلامی است.

۵۰۰ نسخه خطی و چاپ سنگی نفیس با موضوع حضرت ولی‌عصر (عج) از گنجینه‌های دیگر موزه آستان قدس است که در کتابخانه مرکزی این آستان نگهداری می‌شود. نسخه وقفی نادرشاه افشار از جمله این نفایس است. / جام جم دیلی

کرمانی‌ها صاحب موزه مطبوعات می‌شوند

کرمان به‌زودی صاحب یک موزه مطبوعات می‌شود؛ موزه‌ای که قرار است در خانه تاریخی دینیار در شهر کرمان برپا شود و تفاهم‌نامه بهره‌برداری از آن آخر هفته گذشته بین اداره میراث فرهنگی و ارشاد اسلامی استان کرمان امضا شد. بر اساس این تفاهم‌نامه، خانه دینیار برای بازسازی، مرمت، تجهیز و راه‌اندازی موزه خانه مطبوعات در اختیار اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان قرار می‌گیرد. به گفته فریدون فعالی، مدیرکل اداره میراث فرهنگی استان کرمان، مدت اجرای این تفاهم‌نامه از تاریخ انعقاد سه سال است و تمام عملیات مرمت، بازسازی و راه‌اندازی زیر نظر کارشناسان میراث فرهنگی انجام می‌شود. مطبوعات کرمان یک قرن سابقه دارد و انتظار می‌رود موزه شدن خانه دینیار زمینه حضور و بازدید گردشگران از این بنای تاریخی و اسناد و مدارک مطبوعات استان را فراهم کند. خانه دینیار از بناهای مربوط به دوران قاجار است که به ثبت ملی رسیده و در خیابان شهدای خانوک شهر کرمان قرار گرفته‌است. / جام جم دیلی

همزمان با حضور دکتر آقایی در جام جم نشان خدمت امام رضا(ع) توسط خدام به ایشان اهدا شد

عکس: چاوش هماوندی جام جم

در سوگ یکی از شهدای جبهه سلامت کشورمان که به پزشکی با ویزیت ۵۰۰ تومانی معروف شده بود

نام نیکی که ماند

مینا مولایی

ایران

یک نفر از آن ۳۴۶ نفری که ششم آبان ماه اسم‌شان در فهرست فوتی‌های کرونا اعلام شد، پزشکی بود اهل شهرستان میبد استان یزد؛ نه یک پزشک شبیه بقیه آنهایی که قسم پزشکی خورده‌اند و لباس سفید پوشیده‌اند، شبیه دکتر محمد آقایی میبدی دیگر محال است در این روزگار دیده شود. نشان به نشان ویزیت ۵۰۰ تومانی اش در روزگاری که ۵۰۰ تومان پول توجیبی بچه‌ها هم نیست! نشان به نشان اخلاق خوش و رفاقتش با بیمارها آنقدر که خیلی‌ها او را «محمدآقا» صدا بزنند! پزشکی ۷۲ ساله که تا همین سه هفته پیش هم چراغ مطبش روشن بود و هم خودش مشغول درمان و ویزیت بیماران. همین است که حالا خیلی‌ها در فقدانش پیام تسلیت داده‌اند از وزیر بهداشت که او را یکی از شهدای جبهه سلامت کشورمان خوانده و اظهار امیدواری کرده که رفتار و منش این پزشک به عنوان الگویی برای پزشکان سراسر کشور باقی بماند، تا استاندار یزد و فرماندار میبد و بسیاری از مقامات و شخصیت‌های دیگر.

دکتر محمدآقایی میبدی، پزشک خیر یزدی حالا چند روز است که از دنیا رفته، گزارش امروز ما پاسداشتی است برای ۴۱ سال خدمت عاشقانه و همراهی او با بیماران و مردم نیازمند

میبد اما از سه‌شنبه رنگ غم گرفته؛ یک بغض سنگین توی گلوی مردم شهر نشسته و در نزدیکی مهدیه قدیمی این شهر تاریخی، همان‌جا که خانه پدری آقای دکتر بود و یکی از اتاق‌هایش از سال‌های سال پیش، به مطب شخصی‌اش تبدیل شده بود، کسی نیست که ناراحت نباشد. «ما یتیم شدیم» این جمله مشترکی است که در میبد از زبان خیلی از اهالی می‌توان شنید. انگار پشت و پناه شان را از دست داده باشند، همه ناراحتند و عمق این غم از چشم‌هایشان پیداست. عبدالکریم غنی پور، یکی از همان قدیمی‌های میبد است؛ یکی از نام آشناهای هنرزیلوبافی این شهر. او به ما از منش و شخصیت دکتر آقایی می‌گوید و تاکید می‌کند که: «دکتر آدم سالمی بود، اهل روضه و مجلس و منبر، هرچه درباره‌اش می‌گویند و می‌شنوید حقیقت است؛ خیلی وقت‌ها همان ویزیت ۵۰۰ تومانی را هم از بیمارانش نمی‌گرفت...» آقای غنی‌پور، دکتر آقایی را حدود سه هفته پیش جلوی در خانه اش دیده؛ همان‌جا احوالپرسی کرده‌اند و از کرونا و مرگ و میرهایش نالیده‌اند؛ او حالا چهره دکتر آقایی را با همان ماسک سفیدی که آخرین بار دیده، جلوی در خانه‌ای که مطبش هم بوده یادش است؛ توی آن چهره آرام اما حتی از پشت ماسک، مهربانی چشم‌های آقای دکتر معلوم بوده و آقای غنی پور، این را هرگز از یاد نمی‌برد.

بلقیس نوری یکی دیگر از میبدی‌هایی است که از قدیم هروقت بیمار شده، رفته و در مطب دکتر آقایی را زده؛ او هم ناراحت است و می‌گوید: «ایشان همیشه هوای مردمی که دستشان تنگ بود را داشت، الان واقعا مردم ما احساس می‌کنند پدر از دست داده‌اند، چون پشتیبان و حامی مردم بود، مخصوصا مردم نیازمند. هیچ‌وقت اهل حساب و کتاب نبود و می‌گفت خدا روزی را نیاورد که از درد مردم، کیسه اش را پر کند.»

محمدعلی ابراهیمی هم یکی دیگر از همان میبدی‌هایی است که در این چند روز برای از دست دادن پزشک محبوب و خیر شهرشان، افسوس خورده؛ او آخرین بار تابستان بوده که برای ویزیت به مطب آقای دکتر مراجعه کرده با همان ویزیت ۵۰۰ تومانی معروف: «خدا آقای دکتر را بیامرزد، ما همه از بچگی بیمار ایشان بودیم. خیلی از مردم این شهر زیر دست ایشان درمان شدند، بزرگ شدند. اینجا در میبد بگویی دکتر آقایی، محال است کسی نشناسد. دکتر آقایی بزرگ شهر ما بود... خدا بیامرزدش.»

برای او اما جای خالی دکتر آقایی، از آن جای خالی‌هایی است که هیچ‌وقت پر نمی‌شود؛ چرایش را که می‌پرسیم می‌گوید: «شما ببین کدام دکتر راضی است ویزیتش ۵۰۰ تومان باشد؟! ما دیگر محال است چنین دکتری ببینیم...»

نشان خدمتی که ناگهان از راه رسید

امان از این ویروس که آمد و روی پزشک محبوب و خیر مردم این شهر دست گذاشت. امان از یگانه آدم‌هایی که می‌روند و دیگر شبیه‌شان را جایی نمی‌توان دید. برای مردم میبد، اگر دکتر آقایی پزشک چندین و چندساله شهر باشد، برای ما مهمان عزیزی است که یک بار در روزنامه جام جم، در یکی از روزهای گرم تابستان سال گذشته میزبانش بودیم. حضور این پزشک خیر یزدی در تحریریه جام جم، مساوی بود با موجی از انرژی مثبت؛ انرژی‌ای که همزمان شد با ورود هیاتی از کاروان زیر سایه خورشید در تحریریه به مناسبت دهه کرامت؛ از آن همزمانی‌های ناب، که نشان از ارادت آقای دکتر به امام رضا(ع) داشت؛ عجیب بود اما بدون هیچ هماهنگی قبلی، نشان خدمت امام رضا(ع)، از سوی این کاروان به آقای دکتر میبدی اهدا شد؛ نشانی که انگار یک نشانه باشد و مهر تایید بر تمام مهربانی‌های بی‌دریغ او با مردم محروم و تنگ دست.

او به ما گفت که اولین بار در سال ۱۳۳۳ وقتی شش سال بیشتر نداشته به همراه خانواده اش با کلی سخت و زحمت به مشهد رسیده‌اند؛ یک سفر سه روزه با اتوبوس، اما طعم آن زیارت آنقدر دلچسب بوده که او از سال ۶۲ هرسال، یک بار برای زیارت و به رسم نشان دادن ارادت خودش را به مشهد می‌رسانده. دکتر آقایی برای ما از گذشته‌های دور، از خاطراتش و از روزگارش، حرف زیاد زد، خیلی‌ها را نوشتیم و بعضی‌ها را به رسم امانتداری نتوانستیم بنویسیم. یک سرِ این بعضی‌هایی که نوشته نشدند به کارهای خیری می‌رسید که او در خفا انجام داده بود و شاید حتی خانواده‌اش هم خبر نداشتند. حالا اما شنیدن خبر فقدانش، آن روز و آن دیدار و آن حرف‌ها را دوباره به ذهن‌مان آورده؛ آن‌قدر که یادمان بیاید، آقای دکتر موقع خداحافظی از این گفت که بخشی از همان درآمد اندک ماهانه‌اش را هم سال‌هاست برای یک کار خیر عام‌المنفعه اختصاص داده‌است. او رفت و ما نشستیم و حساب‌وکتاب کردیم و هرقدر فکر کردیم جور درنیامد که از یک درآمد پنج میلیون تومانی که با ویزیت‌های ۵۰۰ تومانی جمع شده، چطور می‌توان بخشی را هم به یک کار خیر عام‌المنفعه اختصاص داد... مگر این‌که برکت همان اعتقاد آقای دکتر در این درآمد جاری باشد؛ همان اعتقاد که می‌گوید روزی‌رسان خداست.

ماجرای ویزیت ۵۰۰ تومانی!

من از همان اول مبنا را بر این گذاشتم که مراعات حال مریض‌ها را کنم. یادم هست مثلا وقتی‌که همه ۱۰ تومان ویزیت می‌گرفتند، من پنج تومان می‌گرفتم. بعد که همه ۲۰ تومان می‌گرفتند من ۱۰ تومان می‌گرفتم بعد که همه ۵۰ تومان می‌گرفتند من ۲۰ تومان ویزیت می‌گرفتم. یعنی همیشه سعی می‌کردم کمتر بگیرم تا بیمارانی که وضع مالی‌شان خوب نیست به مشکل نخورند و بالاخره یک‌جایی برای آمدن داشته باشند. الان هم ۹ سال است که ویزیتم همین ۵۰۰ تا تک تومانی است و بیشتر نشده! هیچ‌وقت هم به فکر زیاد کردنش نیفتادم، چون اگر همه بخواهیم این‌طور فکر کنیم که فلان چیز گران شده، ما هم هزینه خدمت‌مان را بالا ببریم، پس تکلیف انسانیت چه می‌شود؟ ببینید، همه آدم‌ها پول و رفاه را دوست دارند و من هم از این قاعده مستثنا نیستم، اما وقتی با خودم فکر می‌کنم می‌بینم همه اینهایی که مریض من هستند یک‌جوری در زندگی‌شان مشکل دارند و در این مشکلات اقتصادی درآمدشان هم زیاد نشده و واقعا ممکن است به خاطر حق ویزیت به دکتر نروند. پس وقتی امورات زندگی من با همین ۵۰۰ تومان می‌گذرد، چرا بیشتر بگیرم؟ اگر هم کسی بیشتر از این به من ویزیت بدهد، بقیه‌اش را برمی‌گردانم... اصلا نگه نمی‌دارم... واقعا اموراتم با همین مقدار می‌گذرد. ماشین من از سال ۸۵، یک پژو ۴۰۵ است که برایم کافی است و واقعا نیاز به‌عوض کردنش ندارم. گوشی تلفن همراهم یک گوشی سامسونگ کشویی است که فکر کنم هشت سال پیش ۱۱۰ هزارتومان خریدم و الان هم کارم را راه می‌اندازد.

پدرم نانوا بود نان رایگان به مردم می داد

الگوی من در زندگی اول‌ازهمه پدرم بود. پدرم وقتی نانوایی داشت اگر می‌دید کسی پول ندارد نان بخرد، نان رایگان به او می‌داد. وقتی هم که بقالی زد، باز جنس‌هایش همیشه از همه مغازه‌ها ارزان‌تر بود و هیچ‌وقت هم به خاطر این اتفاق ضرر نکرد و من هم این سبک زندگی را از ایشان یاد گرفتم.

البته در دورانی که پزشک شده‌بودم درباره دکتر مرتضی شیخ، پزشک مشهدی هم شنیدم که می‌گفتند یک تشتی داشته و ویزیت‌ها را مردم در این تشت می‌ریختند، هرکس هرقدر داشته ویزیت می‌داده و هرکسی هم نداشته از این پول برمی‌داشته؛ کاری که باعث شده الان با این‌که سال‌ها از مرگ این پزشک می‌گذرد، اما اسمش به نیکی بین مردم بماند.

یک دکتر صادقی نامی هم در سیرجان همین رویه را داشت و شب و روز در خانه‌اش روی مریض‌ها باز بود... او هم حالا از دنیا رفته و واقعا این نام نیک است که از او به‌جامانده... اصل هم همین نام نیک است.

فلسفه زندگی من شعر عمر بن عبدالعزیز

من همیشه برای بچه‌هایم یک حکایت و یک شعر را تعریف می‌کنم که درباره عمر بن عبدالعزیز است. می‌گویند عمربن عبدالعزیز انگشتر گران‌قیمتی داشته که هیچ‌کس نمی‌توانسته روی نگین آن قیمتی بگذارد و برایش هم خیلی عزیز بوده، اما یک سالی به علت خشکسالی و قحطی، وضع مردم منطقه خراب می‌شود و عمربن عبدالعزیز هم نگین انگشترش را می‌دهد و می‌گوید خرج مردم کنید تا از گرسنگی نمیرند. بعد هم این شعر را گفته که: «مرا شاید انگشتری بی‌نگین/ نشاید دل خلقی اندوهگین» این شعر همیشه در ذهن من است و یک‌جوری انگار سرلوحه کار من شده و معتقدم اگر سطح زندگی من کمی پایین‌تر باشد، بهتر است تا این‌که در نزدیکی‌ام مردمی باشند که به خاطر مشکل مالی نتوانند به دکتر مراجعه کنند.

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۷۸۱

جدول عادی

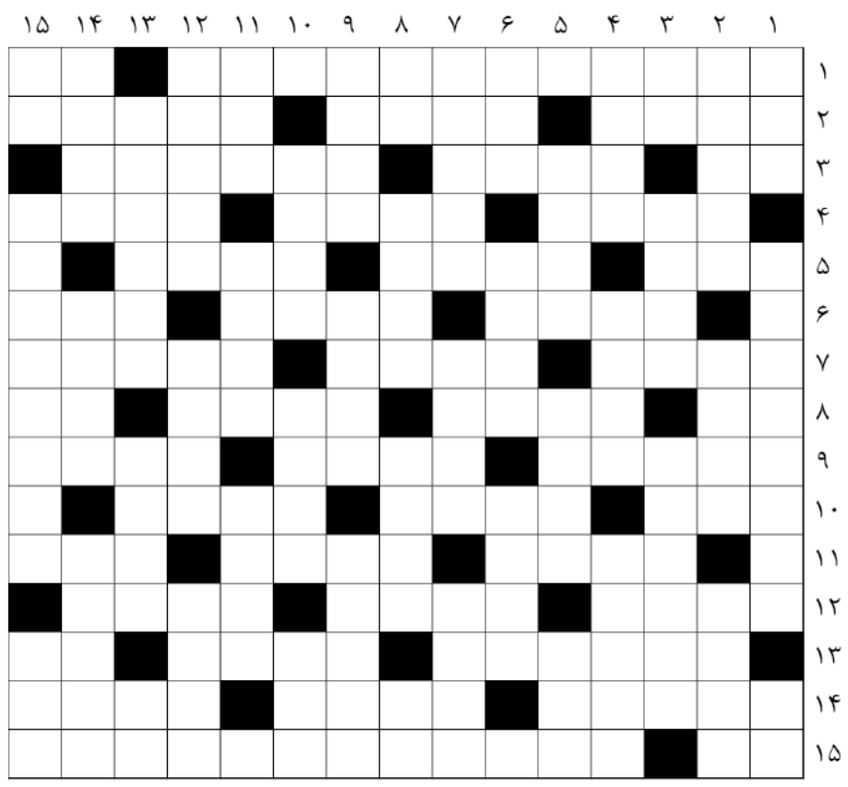

افقی: ۱) از جاذبه‌های گردشگری و نقاط دیدنی دامغان- درخت انگور ۲) بسیار بخشنده- نوعی ماهی جنوب- معادل فارسی کروموزوم ۳) تکنیک- چلیپا- فتواخواستن ۴) ولخرج- نوعی میمون- از باب‌های ثلاثی مزید ۵) متحیر- ایشان- تفریق ۶) نوعی بیسکویت سبک- نجات یافتن- حق مخالفت ۷) نامی دخترانه- جلادهنده کفش- فیلم کابویی ۸) عامل انتقال صفات ارثی- پروردگار ما- جادوگر- آبکی ۹) اهل نیست- واحد بین‌المللی فرکانس- از بهترین زنان بهشت است ۱۰) رها- شعبه‌ای از نژاد سفید- غذای مغز ۱۱) تارمی- خرقه درویشی- زهرآلود ۱۲) سینه‌بند تکواندو- امانتدار- از سازهای بادی ۱۳) اصطلاحی در بسکتبال- دعاکننده- پراکندگی ۱۴) کارهای خوب- تکیه‌گاه پای دوچرخه‌سوار- رنگی برای قالی ۱۵) تک برگ چاپ شده- از محبوب‌ترین غذاهای ایرانی.

عمودی: ۱) جغد- لبنیات یکنواخت در اجزا- گشودن معما ۲) هدایت‌کننده- نایب السلطنه- واحد طول روسی معادل ۱۰۶۷ متر ۳) مکان- بجای آوردن سجده- موزون ۴) عهده‌دار نظم در کلاس- دستبند زنانه- فاقد سقف ۵) پوشش- شهرهای عرب- داروی بی‌هوشی ۶) زرد مایل به سرخ- امپراطور دیوانه روم باستان- شرط‌بندی ۷) چهارگانه- رهسپار- سند ۸) همراه سوزن- محافظ انگشتان- رشوه‌دهنده- ظرف سفالی بزرگ ۹) ظرف جوهر و مرکب- صورت اسامی- تخریب‌کننده اموال عمومی ۱۰) برودت- از محلات شمال تهران- پدر عرب ۱۱) فاقد قابلیت انعطاف- توبه بدون بازگشت- رفع‌کننده ۱۲) به‌هم‌پیچیده- همیشگی- فیلمی ساخته داریوش مهرجویی ۱۳) ناهمگون- نویسنده فرانسوی کتاب قرارداد اجتماعی- مادر عرب ۱۴) کالا- چاشنی متنوع غذایی- سپاسگزار ۱۵) درخت زبان گنجشک- ستاره آرژانتینی تیم فوتبال بارسلونا- خار.

جدول ویژه

افقی: ۱) کتاب ارزنده ابوعلی مسکویه، تاریخ‌نگار و فیلسوف ایرانی عهد دیلمیان- مرحله خواب عمیق ۲) سنت- دچار تردید- ظرف باده ۳) راه میانبر!- شیر اول پس از زایمان- نام دیگر دریاچه نیاسا ۴) اکثر- خداوندی- چشمداشت ۵) شانه، دوش- عالی و رفیع- آلبومی با آواز سالار عقیلی ۶) پول لبنان- برای این‌که- شهری ساحلی با شن‌های سفید در هند ۷) بدذات- رب‌النوع جنگ در روم قدیم- همراهی کردن جنازه تا گورستان ۸) شبکه گسترده جهانی- مشاهده کردن- پنهان کردن- برگزیده ۹) دو شب پیش- قطعی برای کتاب- خمیده ۱۰) جنبش و حرکت- کندزبان- کوچ کردن ۱۱) جانشین- بیستمین سوره قرآن- پرهیزکار ۱۲) پل سوادکوه- روزه هندوها- زورگو ۱۳) کوهی در قزوین- لکنت زبان- سفیدآذری ۱۴) گلی زینتی- راننده- نزدیک‌بین ۱۵) زائوترسان- از منابع تأمین انرژی در جهان.

عمودی: ۱) ساز زخمه‌ای- از رشته‌های ورزش قایقرانی- نیم‌ساعت! ۲) دریغ و افسوس- طولانی‌ترین رود اسپانیا- هم‌آواز ۳) صاحب- بی‌توجهی- نخستین رئیس جمهور روسیه پس از فروپاشی شوروی ۴) سردار- هجوم- قارچ ۵) گرد و خاک- مایه دردسر- بازی و سرگرمی ۶) رود جیحون- شلجمی- نامی دخترانه ۷) مرتعش- از کوه‌های هزار مسجد در قوچان سرچشمه می‌گیرد- معبد یهودیان ۸) نام ترکی- پرتو نور تک‌رنگ- گندم- صوت شگفتی ۹) خدمتکاران- جناح لشکر- انکار ۱۰) گاوآهن- گستاخ- پاسخ مثبت ۱۱) هریک از مواد قانون اساسی- شاعر اصفهانی- نیاز ۱۲) گوشه‌ای در دستگاه شور- خوشحالی- گرفتار ۱۳) از الحان باربدی- مخترع پیل الکتریکی- حرف دهن‌کجی ۱۴) بسیار مهربان- رمانی نوشته شارلوت برونته- دیده‌بان ۱۵) باده- نقاش کاشانی‌تبار دربار شاه‌عباس اول- خودستایی.

حل جدول عادی شماره ۵۷۸۰

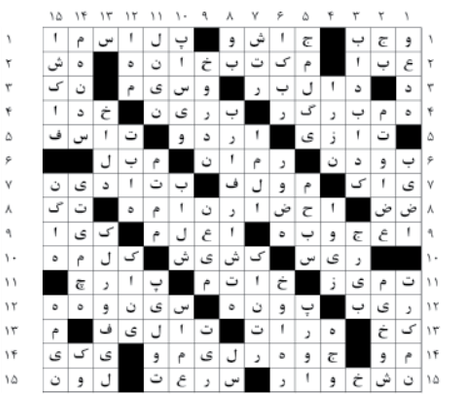
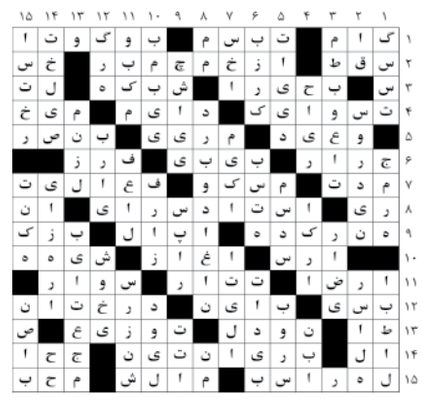
حل جدول ویژه شماره ۵۷۸۰